

(35)

نامه در خصوص تعالیم حضرت بهاءالله چندی پیش در زمان حرب مرقوم گردید مناسب دانست که ضم
باین نامه گردد

هو الله

ای اهل عالم طلوع شمس حقیقت محض نورانیت عالم است و ظهور رحمانیت در انجمن بنی آدم نتیجه و
ثمر مشکور و سنوحات مقدسه هر فیض موفور رحمت صرف است و موهبت بحت و نورانیت جهان و
جهانیان اتتلاف و التیام است و محبت و ارتباط بلکه رحمانیت و یگانگی و ازاله بیگانگی و وحدت با جمیع
من علی الارض در نهایت آزادگی و فرزانیگی جمال مبارک میفرماید همه بار یکدارید و برگ یکشاخسار عالم
وجود را بیک شجر و جمیع نفوس بمنزلهء اوراق و ازهار و اثمار تشبیه فرمودند لهذا باید جمیع شاخه و
برگ و شکوفه و ثمر در نهایت طراوت باشند و حصول این لطافت و حلاوت منوط بارتباط و الفت است پس
باید یکدیگر را در نهایت قوت نگهداری نمایند و حیات جاودانی طلبند پس احبای الهی باید در عالم وجود
رحمت رب ودود گردند و موهبت ملیک غیب و شهود نظر را پاک نمایند و نوع بشر را برگ و شکوفه و ثمر
ایجاد مشاهده کنند همیشه باین فکر باشند که خیری بنفسی رسانند و محبت و رعایتی و مودت و اعانتی
بنفسی نمایند دشمنی نبینند و بدخواهی نشمرند جمیع من علی الارض را دوست انگارند و اغیار را یار دانند و
بیگانه را آشنا شمردند و بقیدی مقید نباشند بلکه از هر بندی آزاد گردند الیوم مقرب درگاه کبریا نفسی است
که جام وفا بخشد و اعدا را در عطا مبذول دارد حتی ستمگر بیچاره را دستگیر شود و هر خصم لدود را یار
ودود اینست وصایای جمال مبارک اینست نصایح اسم اعظم ای یاران عزیز جهان در جنگ و جدالست و
نوع انسان در نهایت خصومت و وبال ظلمت جفا احاطه نموده و نورانیت وفا پنهان گشته جمیع ملل و اقوام
عالم چنگ تیز نموده و با یکدیگر جنگ و ستیز مینمایند بنیان بشر است که زیر و زبر است هزاران
خانمانست که بیسر و سامانست در هر سالی هزاران هزار نفوس در میدان حرب و جدال آغشته بخاک و
خونست و خیمه سعادت و حیات منکوس و سرنگون سروران سرداری نمایند و بخونریزی افتخار کنند و
بفتنه انگیزی مباحات نمایند یکی گوید که من شمشیر بر رقاب امتی آختم و دیگری گوید مملکتی با خاک
یکسان ساختم و یکی گوید من بنیاد دولتی برانداختم اینست مدار فخر و مباحات بین نوع بشر در جمیع

جہات دوستی و راستی مذموم و آشتی و حق پرستی مقدوح منادی صلح و صلاح و محبت و سلام آیین جمال مبارکست کہ در قطب امکان خیمہ زدہ و اقوام را دعوت مینماید پس ای یاران الہی قدر این آئین نازنین بدانید و بموجب آن حرکت و سلوک فرمائید و سبیل مستقیم و منہج قویم پیمائید و بخلق بنمائید آہنگ ملکوت بلند کنید و تعالیم و وصایای رب ودود منتشر نمائید تا جہان جہان دیگر شود و عالم ظلمانی منور گردد و جسد مردہ خلق حیات تازہ جوید ہر نفسی بنفس رحمانی حیات ابدیہ طلبد این زندگانی عالم فانی در اندک زمانی منتهی گردد و این عزت و ثروت و راحت و خوشی خاکدانی عنقریب زائل و فانی شود خلق را بخدا بخوانید و نفوس را بروش و سلوک ملاً اعلی دعوت کنید یتیمان را پدر مہربان گردید و بیچارگانرا ملجأ و پناہ شوید فقیرانرا کنز غنا گردید و مریضانرا درمان و شفا معین ہر مظلومی باشید و مجیر ہر محروم در فکر آن باشید کہ خدمت بہر نفسی از نوع بشر نمائید و باعراض و انکار و استکبار و ظلم و عدوان اہمیت ندهید و اعتنا نکنید بالعکس معاملہ نمائید و بحقیقت مہربان باشید نہ بظاہر و صورت ہر نفسی از احبای الہی باید فکر را در این حصر نماید کہ رحمت پروردگار باشد و مہبت آمرزگار بہر نفسی برسد خیری بنماید و نفعی برساند و سبب تحسین اخلاق گردد و تعدیل افکار تا نور ہدایت تابد و مہبت حضرت رحمانی احاطہ نماید محبت نور است در ہر خانہ بتابد و عداوت ظلمت است در ہر کاشانہ لانہ نماید ای احبای الہی ہمتی بنمائید کہ این ظلمت بکلی زائل گردد تا سر پنهان آشکار شود و حقائق اشیاء مشہود و عیان گردد (ع ۶)